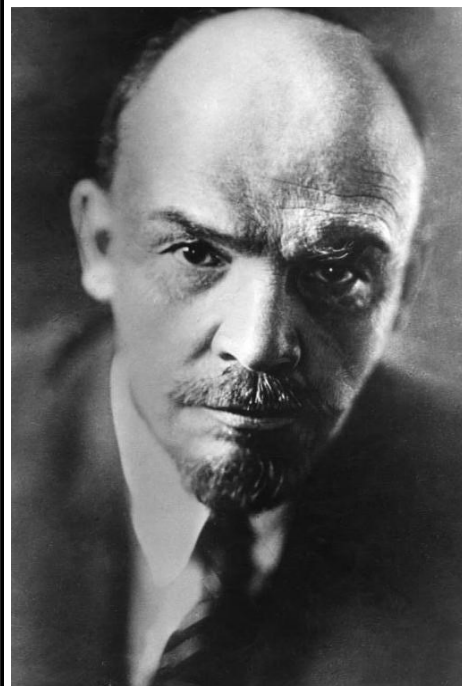


حکمتیست ۱۸۲

۲۳ اکتبر ۲۰۱۷ - ۳۱ مهر ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

قرن لنینیسم فواد عبداللہی



انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، وارد صدمین سالگردش شد؛ تحولی که تحت نام مهمترین رویداد قرن بیستم از آن اسم می برند. هنوز هم که هنوز است عروج شکوهمند و شکست آن "تجربه" را بشریت معاصر در اشکال گوناگون بر زندگی مادی و معنوی خویش لمس میکند. بورژوازی جهانی تا به امروز تلاش زیادی بخرج داده است تا سرانجام شوروی بعد از عدم حضور لنین را به پای انقلاب اکتبر و لنینیسم بنویسد. میگویند اگر لنینیسم نبود، انقلاب اکتبر در "منطق" تکامل تاریخ، تنها گامی بجلو در "انقلاب مشروطیت" روسیه و ارتقاء بورژوازی صنعتی آن مملکت میشد. و درست هم گفتند! ... صفحه ۳

کردستان عراق و یک تراژدی دیگر!

اعلامیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

برای دفاع از دستاورد شان که حق جدا شدن از عراق است، آماده هرگونه مقاومت و مقابله ای بودند، در میدان بی سلاح و تنها، رها شدند! مردم، با خشم و ابراز انزجار و نفرت، این احزاب و نیروهای مسلح آنها را، که طبق توافقات از پیشی صحنه را خالی کرده بودند، بدرقه کردند. ماهها پیش و روزهای پس از رفراند، مردم در کردستان عراق امیدوار بودند که با جدایی و تشکیل دولتی مستقل از عراق، بتوانند قدمی در ایجاد جغرافیایی امن بردارند. امیدوار بودند که با تشکیل دولت مستقل، یک بار برای همیشه به تبدیل شدن مصائب شان به ابزار رقابت ها و معاملات و بده بستان های منطقه، به سواستفاده احزاب ناسیونالیست از آن برای امتیاز گیری و تبدیل کردن آن به وسیله پرکردن حساب های بانکی شان از ثروت و چپاول دسترنج مردم، به خطر حمله نظامی دولت مرکزی، پایان دهند.

اما این بار نیز، احزاب ناسیونالیست کرد، و در راس آنها عشیره طالبانی، با معامله و بند و بست مخفی با ارتجاع عراق و ایران، عصای دست آنها شد! عشیره طالبانی، در کیس رفراند کردستان عراق امکان و فرصتی یافت که در رقابت با بازرانی و به امید کسب سهم بیشتری از آینده نامعلوم و در ابهام کردستان، رای مردم را مورد معامله و بده بستان قرار دهد! با این کار، فصل دیگر بر پرونده قطور دشمنی شان با مردم کردستان، افزودند! مشت های گره کرده، خشم فروخته، و نفرت مردم کردستان عراق، جایگاه امروز شان در کردستان را، تماما زیر نورافکن قرار داده است! عشیره طالبانی در کیس رفراند، همان کاری را کرد که دیروز در کیس معامله شنگال با داعش، عشیره بازرانی کرد. این ها دو جناح از یک سنت ارتجاعی و ضد مردمی ناسیونالیست کرد، اند.

در این تراژدی تحمیلی به مردم کردستان عراق، علاوه بر خانواده طالبانی، همه احزاب ناسیونالیست کرد، از دو حزب طالبانی و بازرانی تا احزاب مرتجع دیگر شریک در قدرت، همه کم و بیش سهم بردند. نیروهای "گوران" و جریانات اسلامی، به مناسبت "شکستی" که به مردم کردستان تحمیل شد، در کمال بیشماری به رقص و پایکوبی پرداختند. آنها در کنار دولت ایران و عبادی و ترکیه، به جای محکوم کردن ... ←

گزارشی از تجمع اعتراضی در لندن بمناسبت تحولات اخیر در کردستان عراق

واحد لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۴

مردم کردستان عراق، بار دیگر با مهندسی احزاب ناسیونالیست کرد، تراژدی دیگری را تجربه کردند. بار دیگر نیروهای حاکم در کردستان عراق، احزاب ناسیونالیست حاکم در این جغرافیا، سرنوشت مردم را دستمایه معامله و توطئه مخفیانه خود با دولت عراق، حشدالشعبی و قاسم سلیمانی، کردند. بار دیگر مصائب مردم کردستان عراق را بازیچه بند و بست دو حزب حاکم، در راستای منافع این احزاب، و علیه منافع مردم کردند. بازهم تراژدی انسانی بزرگ دیگری، به کمک احزاب ناسیونالیست کرد، به مردم کردستان تحمیل شد و فصل دیگری بر پرونده قطور تاریخ پر از "شرمساری"، معامله و توطئه گری مخفیانه آنها با دولت های منطقه، افزود. ۱۶ اکتبر، ارتش عراق همراه با نیروهای حشد الشعبی، با نقشه مشترک دولت عراق، احزاب حاکم و جمهوری اسلامی، بخصوص با توافق و کمک عشیره طالبانی، به کردستان لشکر کشیدند! احزاب بازرانی و اتحادیه میهنی در حالی که ریاکارانه به مردم نوید پیروزی و مقاومت میدادند، بدون هیچ مقابله ای، کرکوک و خانقین،... را تحویل دادند. نیروهای این احزاب طبق توافقات از پیشی و دستور رهبریشان، از این مناطق هزیمت و مردم را تنها گذاشتند! با هزیمت و عقب نشینی آنها، مردم محروم و زحمتکش، که

آزادی
برابری
حکومت کارگری

اعلامیه حزب ...

حمله به مردم کردستان، نفس فراندم و به میدان آمدن مردم برای تصمیم در مورد جدایی، را علت این تراژدی معرفی کردند. رفرا ندیم بیگانه است! احزاب ناسیونالیست همگی مسئول اند!

دولتها و احزاب و جریانهای که دلیل حمله به کردستان را مسئله فراندم، یا زودرسی آن، نام میگذارند، تنها برای حمله حشد الشعبی و دولت عبادی مشروعیت میخرند. رفرا ندیم، ابتدایی ترین حق این مردم بود! خطر جنگ و حمله به کردستان حتی اگر فراندیمی انجام نمیگرفت، پشت در خوابیده بود. فدرالیسم قومی در عراق شکست خورده بود و نیروهای شریک در قدرت هر کدام به شیوه ای بدنبال بازتعریف توافقات قبلی و گرفتن سهم بیشتر از دارایی و امکانات و قدرت در عراق بودند.

مدتها قبل از جنگ موصل، دولت مرکزی در تلاش بود بخشی از امتیازاتی که با اقلیم کردستان توافق کرده بودند را باز پس بگیرد. همزمان و با حمله داعش، و با تضعیف دولت مرکزی، احزاب ناسیونالیست کرد نیز در تلاش بودند دامنه حاکمیت خود را گسترش و بعلاوه مستقلا اختیار کرکوک و نفت آنرا را داشته باشند! در دل جنگ موصل و با تضعیف موقعیت داعش، هم دولت مرکزی و هم احزاب ناسیونالیست حاکم، خود را برای جنگی دیگر آماده میکردند و از بیان علنی آن ابایی نداشتند. با و بدون رفرا ندیم، آینده کردستان عراق

نامعلوم بود! آنچه که اما معلوم بود در خطر بودن سرنوشت مردم آن بود!

احزاب ناسیونالیست کرد، جریاناتی که عامل این تراژدی برای مردم کردستان بودند، امروز هر کدام به شکلی لجن اوضاع را به صورت دیگری پرتاب میکنند و هریک دیگری را مقصر اعلام میکنند! در صف مدافعان رنگارنگ آنها، هر کس به صورتی تلاش میکند نقش قائم به ذات این احزاب را، در شکستی که به مردم کردستان تحمیل کردند، کمرنگ کند.

پروپاگاندهای دروغین آمریکا از "کرد" دفاع نکرد و "ایران مقصر است" و یا محاسبات فنی نظامی درستی صورت نگرفته بود، تماما برای پرده پوشی نقشی است که احزاب حاکم در کردستان عراق داشته اند. این دروغ است! فریب است!

احزاب ناسیونالیست حاکم، قدرت و دولت هستند، یا سران عشایر محلی گماشته و نوکر ایران و آمریکا و ترکیه و ...؟ این پروپاگاندها، بیش از اینکه چیزی در مورد نقش مخرب این احزاب بگوید، در مورد خصلت آنها، سواری گرفتن از مردم و نوکری هر قدرتی، میگوید! آمریکا و ایران و ترکیه و ... دهها جنایت علیه بشریت در منطقه مرتکب شده اند! با همه اینها همین احزاب ناسیونالیست هر روز خود را به یکی از آنها آویزان میکنند و در کمال بیشرمی آنها را مدافع مردم زحمتکش معرفی میکنند.

امروز اما بار دیگر و با حمله دولت مرکزی به کردستان

عراق، توازن قبلی به هم ریخته است و با عقب نشینی احزاب ناسیونالیست از کرکوک و بقیه مناطق مورد اختلاف، عملا توازن قوا به نفع عبادی چرخیده است. توافقات و معامله احزاب ناسیونالیست کرد و دولت عبادی و دولت ها مترجع منطقه، دخالت کناری آمریکا، به هر نقطه ای برسد، متأسفانه دامنه نفاق و انشقاق قومی در این منطقه و با تحولات این مدت، افزایش یافته است.

هر راه حلی در چهارچوب فدرالیسم قومی در عراق، حتی اگر موقتا بتواند بحران و جدال کنونی میان دولت عبادی و ناسیونالیستهای کرد را کاهش دهد، امری تماما موقتی است. بعلاوه مسئله کرد به عنوان زخمی عمیق بر پیکر جامعه عراق، کماکان به جای خود باقی است.

لشکرکشی دولت عراق به کردستان، علاوه بر افزایش نفرت عمومی از دولت عبادی و دول مرتجع ایران، ترکیه و ...، آبرو و اعتباری هم برای احزاب ناسیونالیست و مذهبی حاکم بر کردستان باقی نگذاشته است. آنها برای هزارمین بار نه تنها ضدید خود با ابتدایی ترین حقوق و مطالبات مردم زحمتکش کردستان را نشان دادند، بعلاوه بی صلاحیتی و بی لیافتی خود را حتی در حل مسئله کرد، یک بار دیگر اثبات کردند. آنها یک بار دیگر توان و ظرفیت به غایت ارتجاعی خود در معامله بر سر مردم کردستان و خواست و مطالبات آنها را، به نمایش گذاشتند. این حقایق مطلقا مختص به کردستان عراق

نیست. تاریخ این احزاب در کل منطقه از عراق تا ایران و ترکیه، تاریخی مملو از ریاکاری، معامله و بند و بست با ارتجاعی ترین دولتها، جریانات و حتی باندهای جنایتکار برای مصالح مادی خود به نام منافع مردم کرد زبان و به قیمت تباهی زندگی آنها است.

مردم کردستان عراق، کارگران و زحمتکشان کردستان یک بار دیگر در زندگی عملی خود شاهد معامله ناسیونالیستها بر سر زندگی و هستی خود شدند. این تجربه باید به همه آموخته باشد، که احزاب رنگارنگ ناسیونالیست کرد، خود عامل شکست هر تلاش و مبارزه مردم زحمتکش نه تنها برای حل مسئله کرد که برای دستیابی به ابتدایی ترین حقوق فردی، سیاسی و اجتماعی آنها است. مردم کردستان برای رهایی از ستم ملی، برای پایان دادن به کشمکش های قومی و برای تامین زندگی انسانی نه تنها نیازمند رهایی از دست دولتهای ستمگر حاکم هستند، بعلاوه نیازمند رهایی از تفکرات و توهومات ناسیونالیستی، رهایی آنها از توهم به احزاب ناسیونالیست کرد، و رهایی آنها از توهم به وجود منفعت مشترک با بورژوازی کرد است. حل مسئله کرد، پایان دادن به نفاق قومی و مذهبی، پایان دادن به "جنگهای صلیبی" به نام کرد و عرب، شیعه و سنی و ...، کار کمونیست ها است! کمونیست ها باید دست احزاب ناسیونالیست تا مغز استخوان پوسیده و فاسد، را از زندگی و مقدرات مردم در کردستان عراق کوتاه کنند.

مردم کردستان عراق رای به

جدایی از عراق داده اند. این را دستاورد مستقیم دخالت خود میدانند! نباید اجازه داد بیش از این به آن حمله شود! باید خواهان خروج فوری حشدالشعبی و ارتش عراق، و پاسخگویی مسئولین و سران احزاب حاکم شد. باید مقامات کردستان عراق از هر دو حزب، مسئولیت سیاست هایشان را مستقیما بپذیرند و به مردم جواب دهند. خلع مسئولیت و خلع سلاح مسئولین این توطئه حداقلی است که مانع تکرار مکرر آن خواهد شد.

باید ممنوعیت دیپلماسی مخفی و بدور از چشم و دخالت مردم را به زور تحمیل کرد. باید سازمان ملل را مجبور کرد استقلال کردستان عراق را به رسمیت بشناسد. باید نیروی مردم را، مستقل از احزاب حاکم، به هر شکل و در هر سطحی متشکل کرد. تسلیح عمومی و دفاع از خود، حق مردم کردستان عراق است و حمایت از آن وظیفه هر نیروی آزادیخواهی است.

تا جایی که به ایران باز میگردد، انعکاس خشم و انزجار از احزاب ناسیونالیست حاکم بر کردستان عراق، در کردستان ایران هم میتوان مشاهده کرد. احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان ایران هم، پرونده قتل و سرکشی، پند و بست با ارتجاع حاکم، توطئه علیه مردم، پیشقراول حمله نظامی به کردستان شدن و ... احزاب خواهر خود در عراق، دارند. باید پرونده همه احزاب ناسیونالیست را دوباره روی میز آورد و برای همیشه آنرا بست.

حزب کمونیست کارگری-

حکمتیست (خط رسمی)

۲۳ اکتبر ۲۰۱۷

مرکب بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

قرن لنینیسم ...

در غیاب لنینیسم سرنوشت انقلاب فوریه و سرنگونی تزار، نهایتاً راه "تکامل تاریخ" را پیمود: بازسازی اقتصاد کاپیتالیستی در روسیه!

اما و مهمتر از همه، آنچه را که پنهان میکنند جایگاهی است که انقلاب اکتبر به موقعیت و عزت طبقه کارگر، نه تنها در روسیه که در سراسر جهان داد. آنچه که پنهان میکنند، عروج موقعیتی نوین در عرصه سیاست برای طبقه کارگر جهانی است که به قدرت رسیدنش را، علیرغم اینکه ناکام ماند، برای اولین بار در تاریخ جوامع سرمایه داری، تجربه کرد و طعم شیرین آن را در جهان تیره و مخوفی که سرمایه داری به بشریت تحمیل کرده است، هنوز بیاد دارد!

اکتبر شکست خورد، اما طبقه کارگر آموخت که باید و میتوان قدرت را گرفت. طبقه کارگر آموخت که نباید در انتظار چرخ تکامل تاریخ بماند! نباید منتظر رشد نیروهای مولده و اراجیف کمونیسم مکانیکی، بماند. انقلاب اکتبر ثابت کرد که تصرف قدرت سیاسی توسط یک حزب و اراده و اشتیهای



لنینی، در خلاء قدرت سیاسی در هر جغرافیایی تحت حاکمیت سرمایه داری جهانی، کافی است. درسهای بعدی برای جلوگیری از تکرار شکست را، اما کمونیست های نسل ما، آموخته اند! منصور حکمت به طبقه کارگر جهانی میآموزد که شکست انقلاب اکتبر، نه به خاطر کمبود دموکراسی و تکامل نیروهای مولده و ... بلکه به خاطر دست نبردن حزب بلشویک به پیاده کردن اقتصاد سوسیالیستی است. چیزی که لنین برای وارد شدن به میدان آن، زنده نماند.

تجربه انقلاب اکتبر شکست خورد؛ با وصف تمام فداکاری های بلشویک ها، با وصف قدرتگیری یک حزب کمونیستی، با وصف قیام کارگری و کنگره شوراهها،

اما نتوانست محدوده مادی و تاریخی "انقلاب بورژوا - دمکراتیک" را در هم بشکند و اقتصاد سوسیالیستی را سازمان دهد. بنابراین، دفاع ما از لنینیسم بخاطر "پیروزی یا شکست" انقلاب اکتبر نیست، هرچند که با بروز آن انقلاب و کسب قدرت سیاسی توسط حزب بلشویک درخشید.

دفاع ما از لنینیسم، بعنوان رگه ای از مارکسیسم و کمونیسم پراتیک است که در برابر گرایشات دترمینستی و عاشقان رشد نیروهای مولده، کارگران را از انقلاب کارگری و کمونیستی حذر می دارند.

لنینیسم در مقابل انواع و اقسام کمونیسم های تکاملگرا و ملی، در مقابل جنبش طبقات خرده بورژوا و

روشنفکران در حسرت رشد صنعت، تفسیر متفاوتی از مارکسیسم را ارائه داد. بدون لنینیسم، پراتیک کردن مارکسیسم محال است؛ بدون لنینیسم، سوسیالیسم از یک جنبش زنده، سلبی و نفی مکانسمهای تولید ارزش و ارزش اضافه و نفی سیستم کار مزدی به یک "مدل" رشد، به یک راه رشد "غیر سرمایه داری" و به یک دترین اقتصاد بورژوازی تقلیل میابد.

به این اعتبار، لنینیسم مفسر و مبصر تاریخ نیست؛ برده تکامل تاریخ نیست؛ تصمیم میگیرد، اراده میکند و تاریخ را جایی که میخواهد می برد. بدون این ویژگی نمیتوان نفس قیام اکتبر و پیوستگی میان تزه های فوئرباخ مارکس با

تزه های آوریل لنین را نشان داد.

تجربه شوروی هرچند به تاریخ پیوسته است اما لنینیسم کماکان نه به اعتبار آن "تجربه" که به اعتبار انسانهای زنده امروزی موضوعیت دارد. شبخ لنینیسم بر فراز بن بست سرمایه داری جهانی، بر فراز خلاء ایدئولوژیک دمکراسی پارلمانی، و بر فراز توده وسیع طبقه کارگر جهانی در گشت و گذار است.

اگر شرط بقاء بورژوازی درهم کوبیدن اراده و انقلابیگری جهانشمول طبقه کارگر به تغییر بنیادین است، اما لنینیسم بازگرداندن قدرت اراده به بشریت، سازمان دادن قیام و عمل مستقیم طبقه کارگر است. بی خود نبود که شروع تعرض دمکراسی غربی به عزم انسان و در هم کوبیدن اراده جمعی، با تعرض به مجسمه های لنین آغاز شد؛ به این اعتبار، تعرض به لنین تعرض به اراده و ساحت طبقه کارگر است. تعرض به بشریت محکومی است که عزم کرده حاکمین را به مصاف بطلبد. اما قرن بیست و یک میتواند و باید قرن لنین، قرن پراتیک کردن مارکسیسم باشد. قرن آنها که اراده میکنند تاریخ را بر قاعده اش بنشانند.

زنده باد همیوت انسانی!

نه قومی، نه مذهبی!

گزارشی از تجمع اعتراضی در لندن بمناسبت تحولات اخیر در کردستان عراق

واحد لندن حزب حکمتیست (خط رسمی)

شریاف حکمت

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

شماره ۱۸۲

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

ایستاد. آکسیون لندن و در ابعاد وسیعتر تظاهرات مردم شهر خانیقین و چند شهر دیگر بر علیه دولت عراق و فراری دادن حشد شعبی از خانیقین، پایین آوردن پرچم جمهوری اسلامی در حیاط سفارت آن در اربیل و کانادا بخش دیگری از این اعتراض در روزهای اخیر بوده است. ما به عنوان واحد لندن حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن افشاء کردن ماهیت تاریخی احزاب ناسیونالیست کرد و عملکرد ضد آزادیخواهی این جریانات هم در کردستان عراق و هم در کردستان ایران خود را در کنار آزادیخواهان کردستان عراق و مشخصا حزب کمونیست کارگری کردستان می دانیم و در هر اقدامی که به نفع طبقه کارگر کردستان و روشن کردن ذهن مردم به حقایق باشد خواهیم ایستاد.

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست - خط رسمی واحد لندن

۲۳ اکتبر ۲۰۱۷

اتحادیه میهنی و حزب دمکرات کردستان - علیه مردم کردستان و به کمک طلبیدن دولت بعث و جمهوری اسلامی برای سرکوب این مردم را همه بیاد دارند؛ همه بیاد دارند که نیروهای بارزانی شنگال را دو دستی تقدیم داعش کرد و اتحادیه میهنی نیز کرکوک را تسلیم جمهوری اسلامی و دولت مرکزی عراق کرد. ما این خصلت و ماهیت ارتجاعی احزاب ناسیونالیست کرد را افشاء کردیم، ما ضمن دخالت دول مرتجع منطقه در سرکوب مردم کردستان اما اعلام کردیم که مسببین ردیف اول این لشکرکشی و توطئه گری در درجه نخست، خود احزاب ناسیونالیست حاکم اند؛

نشستهای پی در پی علنی و غیر علنی اتحادیه میهنی و حزب دمکرات یا همان پارتی با فرماندهان سپاه و مقامات سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی بخش زیادی از مردم کردستان را به این باور رسانده که باید در مقابل این بده بستانها، علیه این دشمن "خودی" - احزاب ناسیونالیست حاکم -

روز چهارشنبه هجدهم اکتبر تجمعی مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن در اعتراض به حمله حشد شعبی و ارتش عراق به شهر کرکوک صورت گرفت. این آکسیون که از طرف کمونیست ها و آزادیخواهان کردستان عراق سازمان داده شده بود بعد از آکسیون اعتراضی مقابل سفارت عراق صورت گرفت. واحد لندن تشکیلات خارج حزب حکمتیست (خط رسمی) که از روز اول تجمعات کمونیستها و آزادیخواهان کردستان در لندن همراهشان بوده در این تجمع هم شرکت داشت. همزمان با معامله و بند و بست دوباره احزاب ناسیونالیست کرد در عراق با جمهوری اسلامی و فرار آگاهانه نیروهای این احزاب از کرکوک، فرصتی برای حمله به کرکوک و اشغال این منطقه توسط دولت مرکزی عراق در رکاب مزدورانی حشد شعبی به فرماندهی قاسم سلیمانی داد؛ همکاری شنیع و دوباره احزاب ناسیونالیست کرد حاکم در کردستان عراق با دولت های منطقه علیه مردم کردستان اولین و آخرین بار نیست؛ ناامن کردن منطقه و به طور مشخص جامعه کردستان، توسط احزاب حاکم در این خطه تاریخی دارد. جنگ مشخص دو حزب اصلی -

زنده باد انقلاب کارگری!